



ادریس قمی معلم، حفص بن عمرو العمری، حسن بن موسی خشاب، سعد بن عبدالله قمی، سید عبدالعظیم حسنی، علی بن جعفر خزایی، عبدالله بن جعفر حمیری، عثمان بن سعید عمری، محمد بن حسن صفار، علی بن بلال و فضل بن شاذان نیشابوری.<sup>۱</sup> شیخ طوسی رحمته الله علیه نام یکصد و سه نفر از این دانشمندان را در باب

مکتب تربیتی امام عسکری علیه السلام در دوران خفقان عباسیان شکل گرفت و به یمن وجود امام، برکات ارزنده‌ای را برای جامعه اسلامی تا به امروز به جای گذارد و دانشمندان و کتابهای پرباری را امروز از آن گرامی به یادگار داریم. از جمله دانشمندان و فقهای که از مکتب علمی و تربیتی ایشان بهره گرفتند و حتی آن حضرت، برخی از آنها را وکیل خویش معرفی فرمود، عبارت‌اند از:

احمد بن اسحاق اشعری قمی، حسن بن شکیب مروزی، احمد بن

۱. رجال الشیخ، محمد بن حسن طوسی، نشر اسلامی، ص ۳۹۵ و قصص الأنبیاء، سید نعمت الله جزایری، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی، ص ۸۵۲

داهیانۀ آن برگزیده الهی برخوردار بودند و انوار هدایت و تعلیمات امامت آن حضرت، در آن روزگاران در گوشه گوشۀ جهان اسلام پرتوافشان بود.<sup>۱</sup>

#### شاگرد ممتاز مکتب اهل بیت علیهم السلام

ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل ازدی، فقیه صاحب نظر، مفسر حاذق، دانشمند شهیر، مؤلف گرانقدر در علوم و فنون اسلامی، از سران متکلمان شیعه، زبردست در عرصۀ مناظره با مخالفان اهل بیت علیهم السلام و از یاران نزدیک امام حسن عسکری علیه السلام است. او همچنین توفیق خدمت به امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام را در کارنامۀ خویش دارد. تولد وی را در سال ۱۸۰ ق تخمین زده اند.

اصحاب امام آورده است. با توجه به محدودیت شدید آن حضرت و مراقبت ویژه نظامیان حکومت، اهمیت این آمار روشن می شود و این، غیر از کسانی است که در شهرهای مختلف اسلامی با پیک و نامه و یا به صورت شفاهی از آن بزرگوار استفاده برده اند.

همچنین افرادی هستند که نامشان در حافظۀ تاریخ ثبت نشده است. آری، امام عسکری علیه السلام فقط ۶ سال (۲۵۴ - ۲۶۰ ق) امامت امت را عهده دار شد؛ ولی در این مدت کوتاه برای هدایت اندیشه های مسلمانان و سیراب کردن انسانهای تشنه معارف و معنویت، از هیچ کوششی فروگذار نکرد و با مناطق مختلف جهان اسلام ارتباط برقرار، و مردم مشتاق را راهنمایی نمود.

#### در عصر حضرت عسکری علیه السلام

افراد متعددی از شهرها و مناطقی چون: بغداد، نیشابور، قم، ری، بلخ و سمرقند از رهنمودها و رهبریهای

۱. در این باره نوشتاری از نگارنده در ماهنامه کوثر، ش ۶۰، با عنوان «انوار امام در آفاق جهان» منتشر شده است.

پدرش از راویان احادیث ائمه علیهم السلام و اصحاب یونس بن عبدالرحمان بود و روایات ارزشمندی از اهل بیت علیهم السلام نقل کرده است. فضل نیز تحت تربیت چنین پدری، نشو و نما کرد و به کمالات عالیه نائل شد. وی علم قرائت را در نوجوانی از اسماعیل بن عباد در بغداد فرا گرفت و علم حدیث را نیز از فقیه عارف و عابد، حسن بن علی بن فضال آموخت. همچنین علم کلام و سایر علوم را با اشتیاق فراوان نزد اساتید عصر تحصیل کرد.<sup>۱</sup>

#### مبلغ راستین ولایت

این متکلم فقیه و محدث سرشناس با نقل روایات کتاب سلیم بن قیس هلالی در کتاب «اثبات الرجعه» خود، در مقام دفاع از ولایت امام علی علیه السلام عشق و علاقه خود را به خاندان وحی به منصفه ظهور

رسانده<sup>۲</sup> و در آثار دیگرش نیز همین شیوه را پیش کشیده است.

#### سرآمد مهدی پژوهان

در میان موضوعات مختلفی که علمای پیشین بدانها پرداخته‌اند، موضوع غیبت امام عصر علیه السلام از جایگاه خاصی برخوردار بوده است. علمای شیعه، عنایتی خاص به این موضوع داشته و در این زمینه، تألیفات فراوانی ارائه کرده‌اند تا جایی که طبق نقل کتاب‌شناس بزرگ تشیع، شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة، افزون بر چهل کتاب و رساله با عنوان «الغیبة» از سوی فقها، متکلمان و محدثان بزرگ شیعه، طی قرون متعددی به رشته تحریر درآمده است.

از جمله این بزرگان می‌توان به ابومحمد فضل بن شاذان (م ۲۶۰ ق)، ابوجعفر محمد بن علی بن العزافر (م ۳۲۳ ق)، ابوبکر محمد بن القاسم البغدادی (م ۳۳۲ ق)، ابوعبدالله محمد

۱. رجال نجاشی، ابوالعباس نجاشی، نشر اسلامی، ص ۳۰۷ و موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۴۳۰ و ۴۳۱.

۲. اسرار خاندان آل محمد علیهم السلام، سلیم بن قیس هلالی، نشر ارمغان یوسف، ص ۵۸.

ما رسیده است، کتاب «غیبت» و یا کتاب «قائم» از فضل بن شاذان نیشابوری است. وی معاصر نعیم بن حماد مروزی از علمای اهل سنت بوده است که او نیز درباره مهدویت تألیف دارد. ابن شاذان، کتاب خویش را پیش از ولادت و غیبت حضرت مهدی علیه السلام تألیف کرده است.<sup>۲</sup>

نکته قابل توجه آنکه قول معتبر در تاریخ ولادت امام زمان علیه السلام سال ۲۵۵ ق است که فضل بن شاذان روایت کرده و واسطه او شخصیتی مثل جناب «محمد بن علی بن حمزه بن حسین بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابی طالب» علیهم السلام است.<sup>۳</sup>

#### تأییدهای ویژه امام عسکری علیه السلام

به گواهی تاریخ، امام عسکری علیه السلام بیشترین نفوذ را در منطقه خراسان - به ویژه شهر نیشابور - داشته است.

۲. عصر ظهور، علی کورانی، چاپ و نشر بین الملل، ص ۳۹۳.

۳. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، فصل سوم، باب اول، ص ۳۲۰ - ۳۴۷.

بن ابراهیم بن جعفر النعمانی (م ۳۶۰ ق)، ابو جعفر بن علی بن الحسین معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، ابو عبدالله بن محمد بن النعمان معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، ابوالقاسم علی بن حسن الموسوی، معروف به سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ق)، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی معروف به شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و... اشاره کرد. حتی برخی از بزرگان شیعه به تألیف یک کتاب و رساله اکتفا نکرده و کتابها و رساله‌های متعددی درباره این موضوع تألیف کرده‌اند.<sup>۱</sup>

فضل بن شاذان از پیشتازان عرصه پژوهش در مهدویت است و این امر، از عمق بینش و اعتقاد راسخ او به ظهور منجی عالم بشریت در صحنه گیتی حکایت دارد.

آری، قدیمی‌ترین اثر شیعی درباره عقیده به ظهور مهدی علیه السلام که به دست

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ طهرانی، نشر دارالاضواء، ج ۱۶، ص ۸۳.

نیکی بود. نزد او رفتم. صحبت از فضل بن شاذان به میان آمد. دوستم بورق گفت که فضل بن شاذان به شدت بیمار، و به دل درد جانکاهی مبتلا شده بود.<sup>۲</sup>

به تازگی که برای حج رفته بودم، در عراق، نزد محمد بن عیسی عبیدی رفتم که شخصیتی فاضل بود. دیدم اطرافش را گروهی گرفته و همه محزون و اندوهگین اند.

به آنها گفتم: «شما را چه شده است؟» گفتند: «حضرت عسکری علیه السلام را زندانی کرده‌اند.» من از آنان جدا شدم و با نگرانی و ناراحتی تمام، به سرزمین حجاز برای مراسم حج رفتم. وقتی از حج بازگشتم، باز هم در عراق، نزد محمد بن عیسی رفتم.

۲. البته این بیماری فضل، احتمالاً به سبب همان سفر اجباری او بوده است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام به منزل مسکونی‌اش در بیهق حمله کردند و او برای رهایی از دست خوارج به کوه و صحرا پناه برد و متأسفانه این بیماری، به وفاتش منجر شد.

فضل بن شاذان هم از شخصیت‌های برجسته نیشابوری است که پیشوای یازدهم، برخی تألیفات وی را تأیید کرده و فرموده است: «صحیح و شایسته است که به مطالب آنها عمل شود.» آن امام همام، درباره این شخصیت فرمود: «أَغْبَطُ أَهْلَ خُرَّاسَانَ لِمَكَانِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ كَوْنِهِ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ؛<sup>۱</sup> من به سبب موقعیت فضل بن شاذان و حضورش در میان اهل خراسان، به آنها غبطه می‌خورم.»

در روایت دیگری امام یازدهم علیه السلام از این شخصیت فرزانه به صراحت دفاع کرده است. در آن روایت، محمد بن ابراهیم و راق سمرقندی گفته است که سالی به حج رفتم. تصمیم داشتم ضمن سفر، دوستم بورق بوشنجانی را در اطراف شهر هرات ببینم و با او تجدید عهد کنم. وی معروف به راستی، درستی، پرهیزگاری، صلاح و

۱. رجال کنی، ج ۲، ص ۸۲۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۰۱، باب وجوب العمل بأحادیث

این درست است؟ یا اینکه چنین حرفی را نزده بود و بر او دروغ بسته بودند؟» فرمود: «نَعَمْ كَذَبُوا عَلَيْهِ وَ رَحِمَ اللَّهُ الْفَضْلَ رَحِمَ اللَّهُ الْفَضْلَ؛ بله بر او دروغ بسته بودند. و خداوند فضل را رحمت کند. خداوند فضل را رحمت کند.»

پس از سفر عراق از محضر امام به وطن برگشتم؛ ولی با کمال شگفتی دیدم فضل بن شاذان در همان روزهایی که امام فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ الْفَضْلَ» از دنیا رفته است.<sup>۱</sup>

#### درایت و شایستگی ستودنی

از دیگر امتیازات این عالم بی نظیر، ظرفیت علمی، عقلی و دینی او نزد امامان معصوم علیهم السلام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ ما گروه پیامبران، مأموریم که با مردم به میزان فهم و خردشان صحبت

دیدم ناراحتی و حزن از ایشان برطرف شده است. پرسیدم: «چه خبر؟» گفتند: «امام را آزاد کردند.»

من نیز با شادمانی تمام وارد سامرا شدم و با خود کتاب «یوم و لیله» از فضل بن شاذان را داشتم. خدمت امام رسیدم و آن کتاب را به ایشان نشان

دادم و عرضه داشتم: «فدایت شوم!

این کتاب را ملاحظه بفرمایید و نظرتان را درباره آن برایم بگویید.» آن جناب، کتاب را گرفت و صفحه صفحه ورق زد و فرمود: «هَذَا

صَحِيحٌ يَنْبَغِي أَنْ يُعْمَلَ بِهِ؛ این [کتاب]

درست است، شایسته است که به

[مطالب] آن عمل شود.» بعد عرض

کردم: «آقا! فضل بن شاذان خیلی

بیمار است. مردم شایع کرده اند این

ناراحتی او به سبب نفرینی بوده است

که شما درباره اش کرده اید؛ زیرا از

وی ناراحت شده بودید که گفته

است: وصی و جانشین ابراهیم بهتر از

جانشین محمد صلی الله علیه و آله بوده است. آیا

۱. رجال کشی، ص ۵۳۷ و بحار الانوار، علامه

مجلسی، مؤسسه الوفا، ج ۵۰، ص ۳۰۰.

که از پیش رفتند؛ مانند: محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی. پنجاه سال در خدمت ایشان بودم و از ایشان استفاده می‌کردم. وقتی هشام بن حکم وفات کرد، یونس بن عبدالرحمان، خلیفه او در رد بر مخالفان بود و چون یونس وفات یافت، خلیفه وی در رد بر مخالفان «سکاک» بود و او نیز از میان رفت و امروز این رسالت سنگین بر عهده من است.<sup>۲</sup>

وی همچنین، حدیث را از ابوثابت، حماد بن عیسی، صفوان بن یحیی، عبدالله جبلة، عبدالله بن الولید العدنی، محمد بن ابی عمیر، محمد بن سنان، محمد بن یحیی، یونس بن عبدالرحمان روایت می‌کند.<sup>۴</sup>

در سنگر تقیه

زمانی عبدالله بن طاهر از عوامل حکومت عباسیان در نیشابور، فضل بن شاذان را از نیشابور اخراج کرد و

کنیم.<sup>۱</sup> پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز که جانشینان پیامبرند، برای هر کس به اندازه عقل و درکشان، از مطالب و معارف می‌آموزند.

از فضل بن شاذان در کتاب «علل الشرایع» بسیاری از علل و فلسفه احکام و اصول شرعی نقل شده و در پایان فضل بن شاذان هم تصریح دارد که همه را از حضرت رضا علیه السلام شنیده و حفظ کرده است. این امر، شاهد واضحی بر هوشمندی، قدرت فهم، کسب اعتماد معصوم و ظرفیت بالای اوست که امام رضا علیه السلام وی را لایق دانسته و بسیاری از فلسفه احکام را به او آموخته است.<sup>۲</sup>

جانشین بزرگان

سهل بن بحر فارسی گفته است از فضل بن شاذان شنیدم که می‌گفت: «من، جانشین جمعی از بزرگان هستم

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب

الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۳.

۲. علل الشرائع، شیخ صدوق، نشر ائمه، ج ۱، ص

۲۷۳، باب ۱۸۲، ح ۹.

۳. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خوئی، ج

۱۴، ص ۳۱۲.

۴. همان، ص ۳۱۹.

گفته‌اند تعداد روایتش، بالغ بر ۷۷۷ روایت می‌شود.<sup>۲</sup>

همچنین طبق نوشته شخصیت‌نگاران شیعه، تعداد تألیفات فضل بن شاذان به ۱۸۰ تألیف می‌رسد که برخی از آنان عبارت‌اند از: الردّ علی الفلاسفه، الردّ علی أهل التعطیل، الردّ علی الغلاة، الردّ علی الاصمّ، الردّ علی القرامطة، الردّ علی الحشویة، الردّ علی الحسن البصری فی التفضیل، محنة الإسلام، الردّ علی الثنویة، الفرائض الكبير، الفرائض الاوسط، الفرائض الصغير، السنن، الطلاق، المتعتین: متعة النساء و متعة الحج، فضل أمير المؤمنين علیه السلام، کتاب الملاحم، کتاب الخصال فی الامامة، القائم علیه السلام، معرفة الهدی و الضلالة، التفسیر، العروس و هو کتاب العین، العلل و کتاب الدبیاج.

سپس دوباره وی را به نیشابور دعوت نمود؛ ولی به این شرط که اعتقادات خود را برای فرماندار بنویسد. فضل نیز مسائل اعتقادی خود را از توحید، عدل و نبوت برای او نوشت و به نظر عبدالله رسانید. او گفت: «این قدر کافی نیست. می‌خواهم که اعتقاد تو را دربارهٔ خلفای سلف بدانم.» پس فضل نیز گفت: «بابکر را دوست دارم و از عمر بیزارم.» عبدالله گفت: «چرا از عمر بیزاری؟» گفت: «زیرا عباس را از شورا بیرون کرد و به سبب القای این جواب لطیف - که متضمن خوشامد عباسیان بود - از دست آن ظالم شقی نجات یافت.»

نقل ۷۷۷ روایت و تألیف ۱۸۰ کتاب

بنا به نوشتهٔ آیت الله خوئی، روایت وی در کتب اربعه به ۷۷۵ روایت بالغ شده است و برخی دیگر

۲. موسوعه طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، مؤسسه

امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۴۳۰ و



## از منظر اهل فضل

نجاشی، رجال شناس بزرگ امامیه در ستایش فضل بن شاذان می گوید: «او ثقه و از بزرگان فقها و متکلمان شیعه و در این طایفه دارای مقام و جلالتی است. وی مشهورتر از آن است که ما به توصیف او پردازیم. او دارای دانش بیکران، ناقل روایات فراوان و تألیفات بسیار است.»<sup>۱</sup>

شیخ طوسی نیز در این باره می نویسد: «وی فقیه، متکلم و دانشمند جلیل القدر شیعه و دارای تألیفات فراوانی است.»<sup>۲</sup>

محدث قمی نیز مقام فضل را این چنین می ستاید: «ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری ثقه جلیل القدر از یاران حضرت ابو محمد عسکری علیه السلام و از فقها و متکلمان شیعه و شیخ طایفه و بسیار عظیم الشأن و اجل از توصیف است.

از حضرت جواد علیه السلام حدیث روایت کرده است و گفته اند از حضرت رضاع علیه السلام نیز روایت کرده است. پدرش از اصحاب یونس است. فضل، صد و هشتاد کتاب تصنیف کرده و حضرت ابومحمد عسکری علیه السلام دو دفعه و به روایتی سه مرتبه بر او ترحم فرموده و شیخ کشی، روایاتی را در مدح او ذکر کرده است:<sup>۳</sup>

## وفات (۲۶۰ هجری)

فضل بن شاذان، پس از عمری خدمت به اهل بیت علیهم السلام در اواخر عمر خود در روستایی در حوالی بیهق ساکن شده بود. او که زبان برآن اهل بیت علیهم السلام بود و در مقام دفاع از باورهای حق خود، از هیچ کوششی دریغ نمی کرد، به کینه دشمنان اهل بیت علیهم السلام دچار شد. آنان که در عرصه منطق نمی توانستند پاسخ او را بگویند، به ناچار، قصد نابودی و

۱. رجال نجاشی، ص ۳۰۷.

۲. الفهرست، شیخ طوسی، نجف، مکتبه مرتضویه،

ص ۱۲۴.

۳. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، نشر اسلامی،

ج ۲، ص ۳۵۶.

**فضل بن شاذان از  
پیشتازان عرصه پژوهش  
در مهدویت است و این  
امر، از عمق بینش و اعتقاد  
راسخ او به ظهور منجی  
عالم بشریت در صحنه  
گیتی حکایت دارد.**

«هَذَا ضَرْبُ النَّخْرِيرِ الْمُتَعَالِ الرَّأْوِي  
مِنَ الْإِمَامِينَ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى  
وَأَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ زُبْدَةُ  
الرُّوَاةِ وَنُخْبَةُ الْهُدَاةِ وَقُدْوَةُ الْأَجْلَاءِ  
الْمُتَكَلِّمِينَ وَأُسْوَةُ الْفُقَهَاءِ الْمُتَقَدِّمِينَ  
الشَّيْخِ الْعَلِيمِ الْجَلِيلِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ بْنِ  
الْخَلِيلِ - طَابَ اللَّهُ ثَرَاهُ - قَدْ وَصَلَ بِلِقَاءِ  
رَبِّهِ فِي سَنَةِ ٢٦٠»<sup>۲</sup>

کشتن وی را در سر می‌پروراندند. وقتی فضل بن شاذان از منظور شوم آنان اطلاع یافت و احساس کرد خوارج برای نابودی‌اش خروج کرده‌اند، برای فرار از چنگ آنان بار سفر بست و از آنجا گریخت؛ ولی متأسفانه بر اثر فشار و رنج سفر، سخت بیمار شد و در سال ۲۶۰ هجری در ایام امامت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام درگذشت و ابوعلی بیهقی بر وی نماز گزارد.<sup>۱</sup> امروزه بر قبر او در نیشابور، گنبد و بارگاهی ساخته‌اند و محل زیارت و مطاف شیفتگان علم و فضیلت است.

محدث قمی در این باره می‌نویسد: «قبرش در سرزمین نیشابور قدیم که خارج از بلد نیشابور این زمان است، به فاصله یک فرسخ تقریباً، با بقعه و صحنی مشهور است. بر سنگ قبر او نوشته‌اند:

۱. معجم رجال‌الحديث، سيد ابوالقاسم خوني،

ج ۱۴، ص ۳۱۵.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۵۶.